

نوشته : کاظم شرکت (شهرین)

محمود فرشچیان

پاسدار و متحول‌کننده هنرمینیا تو راصیل ایران

محمود فرشچیان

در نادره دهائی که فضای هستی از نبود و حتی توانا رنج میبرد و بود او را در پهنه های ویژه، چه آنکه پهنه رهبری یا پهلوانی، و یا هنری باشد حس مینماید، از ژرفای وجود، با آوازی رسا و همت آفرین، او را، آری او را که هنوز نامش بر لوح نشان الهام روزگار نقش نبسته است، با درخواست احساس میخواند، او را میخواند و جایگاهش را، میدان هنر آفرینی اش را، و مسند و پایگاه منزلتش را بر اوج قرارگاه خاطرهما، دلها، و رویداد نگاری های زمان بدو نشان میدهد. و او، که فرزند زمان و دستبورد نیاز زمانه است، با همتی والا، و توانی فراتر از پایه همبروردگان، با گامی استوار و انگشتانی کارگشا، بر دفتر نیاز زمان پاسخی شایان و برابر با خواست روز و ابناهی روزگار مینگارد. شک نیست که کارگردان هستی صحنه را از نقش آفرینان خالی نیارد دید و نیک میدانند که جلوه‌های گذشته پسندیده تازه‌گرانیهای آیندگان نیست. پس قلم بدستی میسپارد که بر آنچه گذشتگاه با سحر هنر آفریده‌اند بیفزاید.

فرشچیان یک ایرانی است که نقش آفرین زمان، نبود دست و هنرش را احساس مینموده‌است و بناچار هم بدین نقش آفرینی او را خواننده بر پایه ذوق و احساس برنشانده و سرانجام از موی تارهای قلمش بسی نقش نشاط انگیز و فرهنگ آمیز در افشانده است. نیاز زمان دستش گرفته و در شاهراه هنر پای بیای برده است، اینک او، از اوج جلوه‌گاه هنر با بازتاب هنری تمام ایرانی بر آئینه آفتاب نمای هنر گیتی مینابد. تابشی هنر بخش که بازتابش رنگین کمان ذوق و استعداد ایرانی را از فراسوی منشور تصویرها در دیده‌گاه باور عالمیان جلوه‌گر میسازد.

در زاد روز او بسال ۲۴۸۸ شاهنشاهی، خانواده فرشچیان تولدش را شاد و گرمی داشتند، اما در آن روز هیچکس نمیدانست که انگشتان این نوزاد که از ترسیم خطی

بهرگونه ناتوان است ، یكروز با گردش قلمی دیدگان هنرشناسان ایران و جهان را بشگفتی میکشاند .

روزها گذشت ، اما نه چون روز دیگران ، زیرا سیمای هنر نشان آثار تاریخی شهر اصفهان با نمونه‌های پر ثمر نقش‌ها و نگارها ، هم از آنچه بر در و دیوار خانه‌های قدیمی ، بازارها و بازارچه‌ها مینمود ، و هم از آنچه از آثار تاریخی مساجد ، مدارس ، تکیه‌گاهها و بناهای مذهبی پیدا بود ، و یا آنچه در کتاب‌ها و جنگ‌ها و متن و حاشیه دیوان اشعار مشاهده میشد ، چنان طوفانی از ذوق و احساس در روح زیبایسندش بپا ساخت که سراپا شوق بود ، و پدرش که از بازرگانان سرشناس و موفق فرش بود با نگرشی آگاهانه که از نقش‌های فرش و دستبافهای دیگر داشت به استعداد کم نظیر فرزند آگاه شد و سرانجام با خواست او موافقت نمود . آنروز که دست بدست پدر به هنرگاه استاد هنر نقاشی ایرانی (مینیاتور) میرزا آقا امامی ، که از دوستان و همدمان پدر بود ، قدم گذاشت نخستین گام موفقیت آمیز را برداشت و شاید بتوان گفت سراسر شاهراه موفقیت را در همان گام اول پیمود ، زیرا آن گام راستین همه وجود او را ، همه آینده و آرزوهای او را ، همه کوشش‌ها و صمیمیت‌های هنر جوئی او را در خود خلاصه داشت .

الهام که مایه بخش آفرینش هر هنرمندی است در هنر فرشچیان از زادگاهش که زاینده و فزاینده هنر است سرچشمه میگردد . هنر در شهر کهنسال اصفهان خود فزاینده رودی است در کنار زاینده رود . امواج پرجوش زنده رود در انتها بزمین فرو میرود و سیل خروشان هنر بزمان ، نقش‌های فرشچیان از زندگی الهام میگردد ، از همه چهره‌هایش ، از شادها و ناشادها ، از بهارها و خزانه‌ها ، از خوشی‌ها و خشونت‌ها ، از بزم‌ها و رزم‌ها ، از رقابت‌ها و عنایت‌ها ، و در آمیزش این تضادها پیوسته از نهایت استادی بهره‌ور بوده است . اما الهام‌های نخستین را باید بی ریز ارتفاع کاخ هنرش شناخت . اصفهان با همه ویژه‌گیها ، با نغمه بهارهایش و با نعره رعد و برق‌هایش ، با بازار قلمکارهایش و با طنین ضربه‌های بازار مسکاران و برنج کوبانش ، فرشچیان را پرورده است .

فرشچیان هنرآموزیهایی پایه‌ای را در اصفهان به پایان رسانید . محضر هنر آفرینانی چون میرزا آقا امامی ، که نخستین راهنمای او بود ، و سپس استادی گرانقدر چون عیسی بهادری ، نهان استعدادهای او را به صحنه کارورزی و هنرنمایی کشاند ، بدانگونه که فرشچیان روش هنری خویش را یافت ، و نقاشی ایرانی را از انزوای نارسائی‌های مبهم نگاری نجات داد و در دامنه گسترده‌تری در امتداد خطوط منحنی بیانگر پیام محتوای انسانی و اخلاقی ساخت .

پس از اتمام دوره هنرستان ، که قیاس ذهنی او را متوجه کار استادان بزرگ نمود ،

برای بهره‌وری بیشتر از آثار نفیس گذشته، که از پیرامون جهان در موزه‌های بزرگ کشورهای اروپایی گرد آمده است، راهی آن دیار گردید و چند سالی کار استادان مشهور را مطالعه نمود.

فرشچیان نخستین هنرمندی است که نقاشی ایرانی را بجهانیان شناساند. آثارش در بیست و یک نمایشگاه انفرادی و سی و دو نمایشگاه گروهی در پایتخت‌ها و مراکز بزرگ هنری جهان مورد تماشای هنر شناسان قرار گرفته است. در پایان سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی، مجموعه آثار موجودش که شامل شصت و دو تابلوی اصلی بود، در چهار شهر آمریکا بترتیب: واشنگتن، نیویورک، شیکاگو و شهر سالت لیک سیتی واقع در یوتا به نمایش گذاشته شد و بر اساس آماري که گزارش گردید تنها در نمایشگاه شیکاگو یکصد و پنجاه هزار نفر نقاشی‌های او را تماشا نمودند.

فرشچیان در ایجاد آثار خویش دارای شیوه خاصی است. با منحنی‌های ملایم و ظریف، کنجکاو ذهن بیننده را از پیرامون اثر به مرکز پیام و محتوی رهنمون میسازد. پرسش‌های تماشائیان را در متن، در آنجا که احساس در پرتو حرکات بجلوه می‌آید، پاسخ میگوید، و هم در آنجا برده ابهام از پیش دیدگان ژرف اندیش بکسو میزند. هم‌آهنگی منحنی‌های ریز و درشت، رنگها و سایه رنگها، به توازن حرکات میانجامد و در آنجا بازیگران اصلی در هاله‌ای از الهام و ابهام و پیام خودنمایی می‌کنند. دیدگان مشتاق بیننده بنا خواه در پیچ و خم منحنی‌ها به پیرامون کشیده میشود و در آنجا با پرسش تازه باز به مرکز جلوه بر میگردد. فرشچیان در آثار خویش نیکی را مجرد، اما با شناخت بدیها نشان میدهد، و زیبایی را در گسترده ویژه خویش، با ظرافت و لطافت لازم بدیدگاه نظر تقدیم میدارد. در بزرگ نمایی تصویری هر گوشه از آثارش رد پای هزاران گردش قلم بچشم می‌خورد و ذرات رنگ از لابلای هر یک با فاصله‌ای مطلوب، همچون آفتاب میدرخشد.

فرشچیان نقاشی را زبانی شیوا برای ابزاز احساس میدانند و آنچه بکتایی گفته می‌آید باگردش قلمی بیان میدارد. در سال گذشته بتوصیه دوستان مجموعه‌ای از تابلوهایش را در ۵۲ گراور رنگی بصورت کتابی منتشر ساخت که مورد استقبال هنر دوستان ایران و جهان قرار گرفت.

استقبال از نمایشگاه‌هایش در آمریکا باندازه‌ای بود که چاپ تمام نامه‌ها و تقدیر نامه‌ها از جانب منتقدان و هنرشناسان تنها در حوصله کتابی است و اینجا برسم نمونه‌آوری تنها نظر چند تن از صاحب نظران را بازگو مینمائیم.

دکتر ریچارد اتینگ هاوزن، رئیس قسمت موزه اسلامی متروپالیتیان نیویورک و استاد

و منعقد هنری در دانشگاه نیویورک مینویسد :

بخاطر نیروی فوق العاده تصویر سازی و دامنه وسیع هم آهنکی رنگها و احساس ویژه هنر تزئینی ، طرح ها و تصاویر آقای محمود فرشچیان بمعنای واقعی نمایشگر آثار نقاشان بزرگ سنتی ایران میباشد .

دکتر پی - استرن ، رئیس موزه فری بر آرت گالری اسمیت سونیان شهرواشنگتن مینویسد :

من پیوسته حیران آنهمه زیبایی و مهارتهائی هستم که در نقاشیهای فرشچیان بکار رفته است .

دکتر جیم شلی ، رئیس گروه هنر تجسمی دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه ایلی نوی مینویسد :

یک نمایشگاه فوق العاده . آرزو دارم که استادان و دانشجویان ما با مشاهده این آثار شگفت انگیز نسبت به هنر دید وسیعتری پیدا نمایند .
آقای پی - یونگ گاردنر ، رئیس دانشگاه یوتا ، مینویسد :

طی دو هفته گذشته ، دانشگاه یوتا از این امتیاز برخوردار گردید که میزبان آقای فرشچیان و نمایش دهنده تعدادی از شاهکارهای جدید نقاشی ایرانی باشد که بدست خلاق او ایجاد گردیده است .

یکی از تماشائی ترین نمایشگاههای هنری است که تاریخ ایالت ما بیاد دارد و برای ما بویژه مایه غرور و مباهات است که بگوئیم سالت لیک سیتی یکی از چهار شهر ایالات متحده است که دولت ایران برای این نمایشگاه انتخاب نموده است . و این موجب افتخار است که استادی در سطح آقای فرشچیان را در محیط دانشگاه خود می بینیم و صمیمانه امیدواریم برنامههای آینده در زمانی نه زیاد دور او را باین کشور و این ایالت باز گرداند . دانشگاه یوتا از آقای فرشچیان برای توسعه روابط فرهنگی و آموزشی میان مردم یوتا و مردم ایران سپاسگزاری مینماید . مابترین آرزوهای قلبی خود را برای دوام موفقیت و سلامتی و خوشحالی ایشان تقدیم میداریم .

لینکلن پی ونتی ، استاد هنرهای ژاپنی در ایالت یوتا و مشاور سه موزه هنری در ایالات متحده مینویسد :

یک نمایشگاه پر مایه از نقاشیها ، متناسب با فکر و ذوق صاحب نظران نقاشی ، با روش خاص نقاشی سنتی ایران که زیبایی و پیام را در حد نهایت امکان با مواد جدید بوجود آورده است . برای ما جای خوشوقتی است که شخص هنرمند و آثار پر ارزش او را در دانشگاه مشاهده مینمائیم .

آقای دانیل جسی نورستین ، رئیس کتابخانه کنگره امریکا در نامه‌ای بعنوان سفیر کبیر ایران در واشنگتن می نویسد :

" جناب آقای سفیر کبیر ،

باکمال خوشوقتی کتاب نفیس نقاشیهای استاد فرشچیان را که بمناسبت دوستمین سال استقلال ممالک متحده امریکا به مجموعه آثار خاور میانه‌ای کتابخانه کنگره امریکا اهدا نموده‌اید ، دریافت و بقسمت مربوطه ارسال داشتم . این اثر نفیس نمایانگر اصالت هنر امروز ایران با تکیه بسوابق تاریخی آن میباشد ، و بعنوان نشانه دوستی از جانب شما به ملت ما بیادگار خواهد ماند . "

سروده هنر

که عالمی شده مسحور جلوه اش —
 که مرغ را چو گل آراسته ببال و پرش
 بگردش مه و خورشید آسمان سف —
 بیامداد بشوید باشک زال زرش
 به مهرگان دهد آرایشی بدیعتش
 فرح فزای شود برکه‌های آبخورش
 که گلشکر ببر آورده نخل بارورش
 که از نظر رود و باز ننگری دگرش
 شکفته منظره‌ها با شکوه زیب و فرش
 که در مشاهده پنهان نماند از نظرش
 که نقشبند طبیعت نبوده راه —
 که بزم لطف بیاراست سعی یر ثمرش
 ز نقش‌نامه ایران بیارسی شکرش
 بدوق فرشچیان آفرین و برهنش

درود بر قلم صنع و دست نقشورش
 نخست دست هنر پرور هنر پرداز
 چهرنگها که نمایان کند ز سایه و نور
 افق بخون سیاوش کشد بگاہ غروب
 جهان به سیزه مزین کند بوقت بهار
 ز عکس کوه و درخت و غزال و کبک دری
 بسروری سزد از نخلها نهال بشر
 ولی دریغ که لطف بدیع رهگذری است
 بعمین خامه نقاش جاودانه شود
 زهی دقایق ترکیب و طرح و نقشه و رنگ
 بسا که نقش زاندیشه آورد بوجود
 سزد که مردم چشم آورد بشور و نشاط
 فزون مجوی که شهرین بشارتی دارد
 سپاس اینهمه نقش آفرینی استاد

